همزمان با زادروز «کیانوش عیاری» منتشر شد

روایت کیانوش عیاری از اولین‌بار که به‌دنبال گروه فیلمبرداری دوید

موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله برنامه‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «کیانوش عیاری»؛ نویسنده و کارگردان پیشکسوت سینما بخش‌هایی از گفتگوی این هنرمند را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

کیانوش عیاری با بیان اینکه بیست و سوم اردیبهشت ۱۳۳۰ در اهواز متولد شده است گفت: پدرم تاجر بود و مقدار زیادی فروشگاه، پاساژ، بازار و یک سینما به نام سینما دنیا که در آن زمان می‌گفتند وسیع ترین سینمای ایران است، داشت.

وی با بیان اینکه برادرش داریوش از او پنج سال بزرگتر است، ادامه داد: وضعیت اقتصادی ما از نظر اقتصادی تقریبا خوب بود و از رفاه نسبی برخوردار بودیم و تفریحات اصلی ما در آن سال‌ها سینمارفتن بود . اگر به شهر دیگری هم سفر می‌کردیم مهمترین جایی که در آن شهر می‌رفتیم باز هم سینما بود.

عیاری خاطرنشان کرد: سال ۱۳۴۸ پدرم برای داریوش برادرم یک دوربین سوپر ۸ خریده بود و من هم از آن دوربین استفاده می‌کردم. این دوربین در سالهای اولی که تازه آمده بود استفاده آن بیشتر برای مهمانی‌ها، سر سفره هفت سین و مسافرت‌های خانوادگی بود.دایی من کارمند سازمان آب و برق خوزستان بود و این امکان را داشت تا آپارات ۱۶ میلی متری به خانه خودش یا ما بیاورد و به دلیل علاقه‌ای که بیشتر در خانه ما برای دیدن فیلم بود موجب شده بود تا بیشتر نمایش‌ها در حیاط خانه ما باشد.

آپارات ۱۶ میلی متری المو بود که آن را روی بخشی از پله‌های حیاط که به اتاق‌ها متصل می شد می‌گذاشت و در نقطه مقابل آن یک پارچه سفید قرار داده می‌شد و بر روی آن فیلم‌های مستند و گزارشی نمایش داده می‌شد.

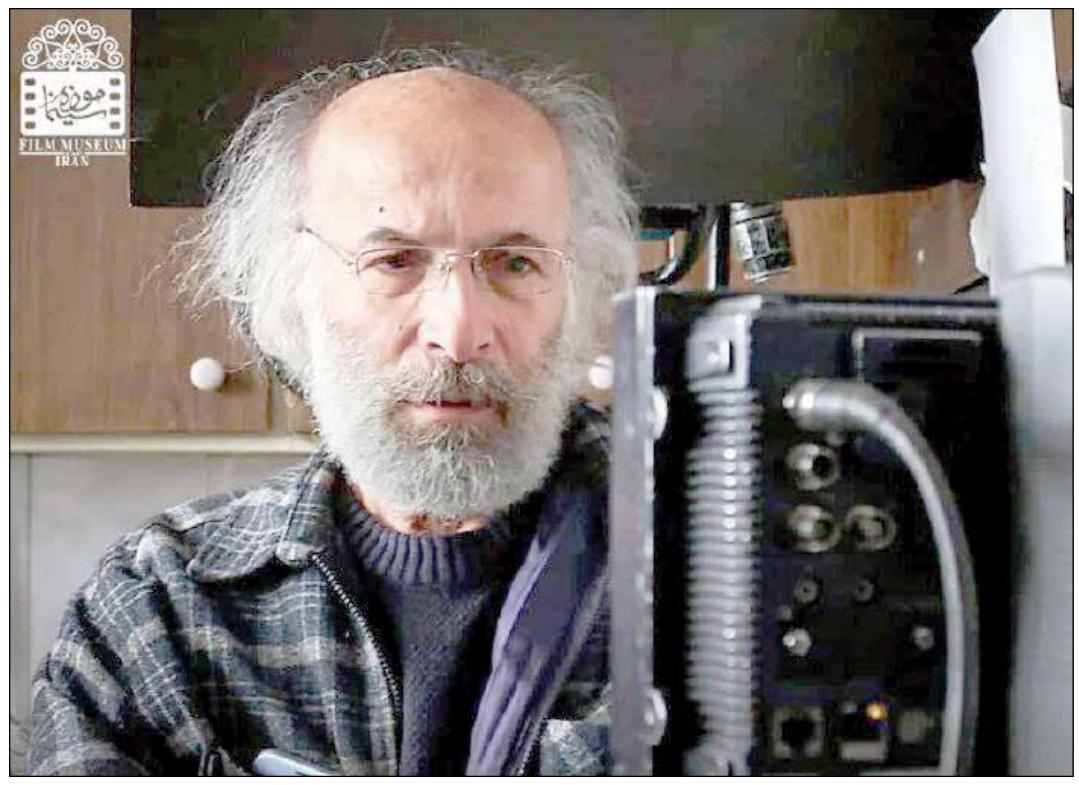

وی ادامه داد: فیلم‌ها خیلی مهم نبود بلکه نفس چرخش دو وبین بزرگ، صدای آپارات و نوری که از آن لنز بر روی پرده می‌تابید مهمتر از کیفیت فیلم‌ها برای ما بود. یک نریشن از این فیلم‌ها به خوبی یادم هست که می‌گفت «گاو حسن سه گوساله دارد» جالب است که تا امروز این نریشن در یاد من مانده است.

در واقع یک سینما پادادیزویی داشتیم و همسایه‌های دور و اطراف خانه ما هم که اغلب ارمنی بودند از روی پشت بامشان فیلم‌هایی که در حیاط ما نمایش داده می‌شد را می‌دیدند و ما هم مشکلی نداشتیم.

عیاری در بخش دیگری از خاطرات خود گفت: در اهواز خبرهای مربوط به فیلم‌ها خیلی زود به ما می‌رسید. یادم می‌آید برای فیلمبرداری فیلم «ماجراجویان جنوب» که فیلمبردار آن رضا انجم روز بود به اهواز آمده بودند و برای شهر اهواز خیلی افتخارآمیز بود که یک گروه فیلمبرداری برای ساختن فیلم به آن شهر آمده اند زیرا این امر نشان از اهمیت شهر اهواز داشت. من هم از همکلاسی‌هایم در جریان اخبار مربوط به فیلمبرداری فیلم قرار داشتم. یک شب در یکی از خیابان‌های اصلی اهواز که محل استقرار آنها در هتل بود رفتم (فردای آن روز هم امتحان شیمی داشتم) دیدم یک فولکس واگن ایستاده و چند جوان در داخل آن کابل می اندازند متوجه شدم که آنها فیلمبرداری دارند در همان جا ایستادم، پشت ماشین پر شد و حرکت کرد و من هم شروع به دویدن پشت سر آن کردم و از مسیری که تغییر می‌داد حدس زدم به سمت رودخانه کارون می‌رود.

من همچنان می‌دویم و ماشین هم با سرعت می‌رفت به پل اهواز رسید و ایستاد و من از خستگی بر روی زمین افتادم .وسائل را کارگرها از داخل ماشین برداشتند و از پله‌های پل به پایین به سمت بلوار حاشیه رودخانه بردند و زمانیکه من به آنجا رسیدم هزاران نفر آدم آنجا بودند و یک دیوار که پلیس ایجاد کرده بود تا مردم عادی به سمت جایی که فیلمبرداری می‌کردند، نروند. وی در ادامه بیان داشت: من بچه بسیار خجالتی بودم اما انگیزه بسیار زیادی داشتم تا آنجا که به رغم اینکه هزاران نفر آنجا ایستاده بودند و نمی‌توانستند داخل بروند من توانستم از دیواری که ایجاد کردند عبور کنم و تا صبح کنار گروه فیلمبرداری باشم.

عیاری با بیان اینکه آقای انجم روز بسیار مرد مهربانی بود، گفت: در تمام طول شب که در کنار گروه فیلمبرداری بودم گاهی به او و گاهی به دوربین ۳۵ او نگاه می‌کردم و او متوجه شده بود که من به دوربین و سینما علاقمند هستم زیرا دائم از او سوال می‌پرسیدم. به من گفت دوست داری از پشت دوربین نگاه کنی و من گفتم بله. قبلا دوربین‌های ۸ میلی متری را دیده بودم اما وقتی از پشت دوربین ۳۵ نگاه کردم متوجه شدم یک کادر کاملا مشبک وجود دارد و انگار داشتم از یک دریچه زندان نگاه می کردم. خیلی تو ذوقم خورد از او سوال کردم در زمان فیلمبرداری این کادرهای مشبک هستند؟ و او گفت بله این‌ها باید باشند و من گفتم پس به چه شکلی تصویر را می بینید او خندید و دیگر پاسخ نداد. برای من دوربین ۸ میلیمتری جذابیت بیشتری داشت زیرا صفحه آن تمیز بود و من با دوربین ۸ میلی متری تفریح می کردم و به نوعی به زندگی نگاه می‌کردم.

به هرحال من آن شب تا صبح در کنار گروه فیلمبرداری بودم. یادم می‌آید درکنار حسن رضایی (بازیگر) ایستاده بودم و او را نگاه می‌کردم زیرا در آن زمان به دلیل فراوانی بازی‌هایی که داشت چهره بود . صبح از همان جا به سر کلاس برای امتحان رفتم و قبول نشدم و بعدها به حسن رضایی گفتم آن شب شما باعث شدید من در امتحان قبول نشوم. (با خنده)

ما که نخندیدیم اما خودشان حتما خندیدند

سارا بقایی

برخی از فیلم‌های سینمایی اگرچه برای مخاطبان سرگرمی خاصی ندارند اما برای عوامل تولید خود بسیار مفرح‌اند؛ اگرچه مخاطب را نمی‌خندانند اما حتما خودشان می‌خندند.

پیش از این و در دهه‌های گذشته ساخته شدن فیلمی خارج از ایران از سوی یک فیلمساز ایرانی وسوسه ای برای دیدن اثری متفاوت به لحاظ ساختار روایی و مکان جغرافیایی بود؛ فیلم‌هایی که بر اساس جنس نگاه سازندگانشان حرفی برای گفتن داشتند و بسته به قصه شان که نیاز به روایت جغرافیایی خارج از ایران داشتند، جذابیتی بصری برای تماشا.

این دست داستان‌ها به دلیل قدرت فیلمسازی صاحب اثر و تصویرگری قصه در جایی که زمین وقوع آن رویداد بود بعضا بسیار موفق عمل کردند و به تولیداتی بی رقیب در تاریخچه سینمای ایران بدل شدند. از کرخه تا راین (ابراهیم حاتمی کیا ۱۳۷۱)، بازمانده (سیف الله داد ۱۳۷۳) آدم برفی (داود میرباقری ۱۳۷۳)، مرد آفتابی (همایون اسعدیان ۱۳۷۴) فرش باد (کمال تبریزی ۱۳۸۱)، نقاب (کاظم راست گفتار ۱۳۸۳) نمونه آثاری بودند که از بسیار خوب تا خوب می توان آنان را دسته بندی کرد و همگی آنها در زمان اکران و حتی در سال‌های پس از آن با اقبال خوبی مواجه شدند و موفقیتی را برای کارگردانشان رقم زدند. آثاری که از فضای جغرافیایی خارج از ایران نهایت بهره را بردند تا داستانشان را همراه با جذابیت‌های بصری به مخاطبشان ارائه کنند.

البته آثار بسیاری هم وجود دارند که از دهه ۷۰ تاکنون در خارج از ایران ساخته شدند و از متوسط تا بسیار بد قابل رده بندی هستند. آثاری که بعضا حتی به رغم تولیدشان به عنوان اثر فاخر و هزینه‌های کلانی که صرف ساختشان شده است نتوانسته اند اقبالی در اکران و فروش و نگاه مخاطب و منتقدان داشته باشند. صرف تولید یک اثر در خارج از ایران قطعا تاثیری در اقبال آن ندارد و بی شک اولین و آخرین مولفه جذابیت یک فیلم سینمایی، قصه و داستانی است که قصد انتقال آن را دارد. اهمیت قصه حتی مهمتر و بزرگتر از اسم بازیگران و فیلمسازانی است که در تولید یک فیلم حضور دارند به همین دلیل بیشمار قصه‌های بی محتوایی بوده اند که حتی اعتبار فیلمساز و بازیگرانشان را هم خدشه‌دار کردند. پس از موفقیتی که فیلم سینمایی من سالوادور نیستم (منوچهر هادی ۱۳۹۴) رقم زد بسیاری تصور کردند که صرف روایت یک قصه پرزرق و برق در خارج از ایران و استفاده از بازیگران زن بدون حجاب (محدودیتی که به هیچ عنوان نمی توانستند در سینمای ایران آن را دور بزنند) فرمول قطعی فروش بالا و موفقیت گیشه است اما این درحالی بود که «تازه بودن» این شکل از قصه و جذابیتش برای مخاطب را نادیده انگاشتند و به این نکته توجه نکردند که برای تکرار موفقیت، تکرار صفر تا صد یک فرمول (آن هم در فیلمسازی) همواره مساوی با تکرار موفقیت نیست. خانم یایا (عبدالرضا کاهانی ۱۳۹۶) و چهارانگشت (حامد محمدی ۱۳۹۷) از جمله آثاری بودند که با دنباله روی از سبک پارادوکسیکال من سالوادور نیستم (مواجه یک فرد بشدت مذهبی با فرهنگی که فرسنگ‌ها دور از فرهنگ ایرانی است) تلاش کردند تا نظر مثبت مخاطب را جذب کنند و هردو دقیقا از اسم و جغرافیای کشور تایلند برای این منظور استفاده کردند. البته که جدای از بحث فروش، نقدهای بسیاری را هم پس از آن برانگیختند. منتقدان در مورد خانم یایا به کاهانی تاختند که پیش از آن سبک مستقل فیلمسازی خود را داشت و این اثر را نقطه ضعف بزرگی در کارنامه کاری اش دانستند. در مورد چهارانگشت هم این انتقادات به امیر جعفری وارد بود که چرا به رغم درخشش در سینمای معناگرا وارد این شکل از سینما شده است.

حالا و پس از گذشت سالها و نخ نماشدن این سبک از قصه بازهم فیلمی با این مضمون (حضور یک فرد بشدت مذهبی - که البته در این قصه به دلیل سمتی که دارد اجباری بیرونی هم برایش وجود دارد – در محیط فرهنگی آسیای شرقی و کشور اندونزی و مواجه اش با تعارضات و تنقض‌های عقیدتی و فرهنگی و دینی) دستمایه تولید اثر قرار گرفته است. فرهاد اصلانی رئیس فدراسیون فوتبال ایران است که همراه با نایب رئیس خود با بازی سیامک انصاری راهی جزیره بالی می شوند تا با زیدان قراردادی را امضا کنند (دقیقا شبیه قصه من سالوادور نیستم که به دلایلی قهرمانان داستان دنبال ریوالدو بودند؛ البته در نهایت در این فیلم تصویری کوتاه از این ستاره برزیلی به مخاطب نشان داده شد. موضوی که در خط استوا همان اسم است و بس). اساسا اگرچه در فیلم سینمایی خط استوا تصاویری لانگ شات از آب‌های جزیره بالی پخش می شود اما هیچ صحنه ای نیست که این بازیگران را در ساحل ببینید. چطور فیلمسازی مجوز فیلمسازی در کشوری دیگر را می گیرد و اقدام به ساخت فیلمی برای سینمای ایران می کند اما حتی توان یک سکانس درست در یک مکان عمومی را ندارد؟ اگر چنین فضایی آن قدر دارای محدودیت برای فیلمساز و مخاطب ایرانی است اساسا چرا باید جغرافیایی مانند بالی برای روایت یک قصه انتخاب شود؟

در یکی از کامنت‌هایی که به درستی برای این فیلم گذاشته شده، مخاطبی نوشته بود: «انگار که تهیه کننده یه سفر تفریحی قرار بوده بره، گفته بذار یه تیم با خودم ببرم تو این سفر یه فیلم هم بسازیم دور هم».

تصوری که در حین تماشای این فیلم برای مخاطب رقم می خورد دقیقا همین است؛ این که هدف از ساخت و صرف هزینه برای چنین فیلمی چیست؟ این قصه قرار است چه بگوید؟ و به کجا برسد؟ (جایی که در نهایت اصلا قرار نیست به آن رسیده شود و شاید پایان باز این فیلم بیش از همه تناقضاتش خنده دار است) چرا اندونزی؟ چرا بالی؟ آیا در آسیای شرقی فضایی جز اتاق هتل و سوییت و محوطه آن و قسمت‌های محدودی از سفارت ایران (عینا مانند خانم یایا و چهارانگشت) برای فیلمسازی وجود ندارد؟ در نهایت به نظر می رسد خط استوا صرفا یک دورهمی دوستانه برای سازندگانش در یک سفر تفریحی آن هم به جزیره خدایان (بالی) بوده است که رابطه متناقضش صرفا در دیدگاه‌های مذهبی و فرهنگی و دینی کاراکترهای قصه با محیط پیرامونی نیست بلکه رابطه متناقض دیگری برقرار است و آن این که هر اندازه بازیگران و عوامل و فیلمساز از حضور در چنین تعطیلاتی لذت برده اند، مخاطب از بی مضمونی و بی قصه گی و بی محتوابودن چنین اثری رنج می برد. هرچه این فیلم ما را نخنداند و اذیت کرد احتمالا برای عوامل خودش که سفری به جزیره خدایان در بیان عام و به قول خودشان جزیره لختی‌ها داشتند، خنده دار بوده است

موافقت با آئین‌نامه اکران فیلم‌های خارجی

مصوبات نخستین جلسه شورای راهبردی اکران در سال ۱۴۰۲ اعلام شد.

به گزارش ایلنا به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، نخستین جلسه شورای راهبردی اکران در سالجاری با حضور محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی کشور برگزار شد. «بررسی وضعیت اقتصاد سینما متناظر به مولفه‌های فرهنگی آن» و «ارزیابی عملکرد فروش سینماها در اکران‌های نوروزی و عید فطر» از جمله محورهای این جلسه بود.

در ابتدای جلسه محمد خزاعی ضمن خیرمقدم به اعضای جدید، با اشاره به نقش شورای راهبردی اکران در مواجهه با چالش‌ها و الزامات فرهنگی و اقتصادی سینما گفت: آینده خوبی در انتظار سینماست و امیدواریم در سایه همدلی و تدبیر، همه اهالی سینما از این نقطه گذر کرده و عزت و سربلندی سینمای کشورمان را شاهد باشیم.

وی با تاکید بر اهمیت مصوبات شورای راهبردی اکران بر اجرایی و عملیاتی شدن این مصوبات تاکید کرد و افزود: قطعا مصوبات این جلسات، اجرایی خواهند بود و از این پس با نظر اکثریت اعضا، هرگونه تصمیم اتخاذ شده در این شورا که نیاز به ابلاغ وزیر محترم نداشته باشد، کاملا قابلیت اجرایی دارد.

خزاعی با بیان اینکه همه تلاش سازمان سینمایی و صنوف متناظر و مبتنی بر شناسایی راهکارهای موثر برای رونق کسب و کار و معیشت سینماگران و سوق دادن شرایط به سمت بهبود وضعیت اقتصادی و فرهنگی سینماست خاطر نشان کرد: بدون تردید، تقویت و رونق سینما، به نفع خانواده سینما و فضای عمومی کشور خواهد بود.

رئیس سازمان سینمایی ضمن تاکید بر لزوم توجه به مولفه‌های فرهنگی سینما در کنار ظرفیت‌های اقتصادی آن عنوان کرد: در این زمینه نیازمند همدلی و هم افزایی نخبگان فرهنگی و کارشناسان و صاحب نظران حوزه‌های اقتصادی و رسانه ای هستیم.

هاشم میرزاخانی مدیرعامل موسسه سینما شهر در این جلسه، ضمن ارائه گزارشی از وضعیت فروش و استقبال مخاطبان سینما در اکران نوروزی و عید فطر، با اشاره به اتفاقات مثبت در حوزه توسعه زیرساخت در دولت سیزدهم و رویکرد عدالت محور سازمان سینمایی در این زمینه، تقویت بازار سینما و عوامل موثر بر رشد اقتصادی آن را مورد تاکید قرار داد و اظهار امیدواری کرد بحث تسهیم از مبدا فروش سالن‌های سینما با موافقت شورا به زودی اجرایی شود.

همچنین، در این جلسه، بر اهمیت تصمیم‌گیری‌های شورا برای منافع خانواده سینما و اقتصاد سینمای ایران در تکمیل چرخه تولید و پخش تأکید شد و اعضا از نحوه مدیریت اکران سینما طی چند ماهه اخیر، بویژه مدیریت حساب شده اکران نوروزی و عید فطر و فروش امیدوارکننده سینماها قدردانی کردند.

در پایان، اعضای شورا به اتفاق آراء با برنامه»تسهیم فروش فیلم از مبدا با استفاده از روش‌های مناسب و به‌روز»، و «آئین نامه اکران فیلم‌های خارجی به صورت محدود مطابق با مقررات مصوب» موافقت کردند.

همچنین، مسئولیت اجرای این برنامه به موسسه سینماشهر واگذار شد تا با در نظرگرفتن همه جوانب نسبت به تعامل و همکاری با تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان سینما که مایل به اکران فیلم‌های خارجی هستند، اقدام نماید.

علاوه بر این مصوبات، در این جلسه مقرر شد به دلیل فراگیری مباحث شورا و نیاز سینمای ایران به گفتگوهای کلان‌تر و عمیق‌تر بویژه در بخش اقتصاد سینما در کنار ملاحظات و دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی، ضمن دعوت از چند عضو جدید، در خصوص تقویت شورا و تغییر ماموریت‌های کلان آن بازنگری و تصمیم گیری صورت گیرد.

گفتنی است در این جلسه، مرضیه برومند مدیرعامل خانه سینما، حبیب ایل بیگی معاون ارزشیابی و نظارت، منوچهر شاهسواری تهیه کننده سینما، غلامرضا موسوی رئیس اتحادیه تهیه کنندگان سینمایی، مرتضی شایسته رئیس کانون پخش کنندگان سینمای ایران، محمدقاصد اشرفی رئیس انجمن سینماداران، سیدضیا هاشمی تهیه کننده سینما، جمال ساداتیان تهیه کننده سینما، محمود رضوی تهیه کننده سینما، هاشم میرزاخانی مدیرعامل موسسه سینماشهر و روح الله سهرابی مدیرکل دفتر نظارت بر نمایش فیلم نیز حضور داشتند

دبیرخانه «بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه‌های ایران» آغاز به کار کرد

دبیر جشنواره ملی رسانه‌های ایران از آغاز بکار دبیرخانه و برگزاری این رویداد رسانه‌ای، پس از یک وقفه ۱۰ ساله، خبر داد.

به گزارش گروه فرهنگی ایرنا از روابط‌عمومی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، مهدی عرفاتی برگزاری جشنواره ملی رسانه‌های ایران را در راستای ارتقای فعالیت حرفه‌ای رسانه‌های کشور و محملی برای قدردانی از تلاش‌ها و مجاهدت‌های طاقت‌فرسای اهالی قلم و هم‌اندیشی و همدلی فعالان رسانه‌ای کشور دانست.

به گفته مهدی عرفاتی، در این دوره، ساختار، فرآیندها و روندهای اجرایی و قالب جشنواره متناسب با تحولات عرصه رسانه متحول خواهد شد. دبیر بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه‌های ایران گفت: در این دوره سعی خواهد شد توأمان به فرم و قالب و محتوا توجه شود و موضوعات و مسأله‌های مبتلا به جامعه ایران در قالب بخش‌های ویژه در اولویت قرار گیرد.

عرفاتی با اعلام اینکه در بخش داوری اولیه از ظرفیت اساتید دانشگاه و پیشکسوتان عرصه خبر در همه استان‌ها استفاده خواهد شد، گفت: آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره، پس از مرحله اولیه داوری در سراسر کشور، در مرحله نهایی به داوری اساتید حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری و پیشکسوتان عرصه رسانه گذاشته خواهد شد. وی یادآور شد: جشنواره ملی رسانه‌های ایران در ادامه بیست دوره گذشته جشنواره مطبوعات، پایه‌ریزی شده و علاوه بر نشریات و خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و رسانه‌های اجتماعی نیز حضور خواهند داشت. عرفاتی، توجه ویژه به بخش مجازی و انسان رسانه‌ها، روایت‌های نوین در گزارش‌های خبری، جنبه‌های تحقیقاتی در تولیدات رسانه‌ای، ظرفیت‌های گزارشگری و تولیدات رسانه‌های نو از جمله؛ قالب‌های چندرسانه‌ای، پادکست، اینفوگرافی، عکس‌نوشت و... از ویژگی‌های جشنواره امسال خواند. وی اظهارداشت: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، اختتامیه جشنواره همزمان با آیین‌های گرامیداشت روز خبرنگار در هفدهم مرداد ماه برگزار خواهد شد و اطلاعیه فراخوان و فرایند ارسال آثار تا هفته اول خرداد اطلاع‌رسانی می‌شود.

یادداشت

طبقه متوسط و نمایشگاه کتاب

روبا سلیمی

در غرفه‌های شلوغ و پر ازدحام نمایشگاه کتاب قدم می‌زنند. نگاه دقیق یا سرسری به کتاب‌ها و غرفه‌های ناشران می‌اندازند. مخاطبان نمایشگاه بین‌المللی کتاب در گروه‌ها و طیف‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. دلایل و اهداف مختلفی برای بازدید از نمایشگاه دارند. گروهی از آنها عمدتا جهت خرید کتاب و دیدن غرفه‌ها و آگاهی از کتاب‌های تازه منتشر شده به نمایشگاه می‌آیند. گروهی از مخاطبان نیز تنها به خرید تک کتابی اکتفا می‌کنند یا دست خالی نمایشگاه را ترک می‌کنند. در نگاه نخست، برخورد و ارتباط مستقیم با مخاطب، فرصتی است که ناشران می‌توانند از آن به عنوان مخاطب‌شناسی گروه هدف خود استفاده کنند. از نوع برخورد با مخاطب، نوع نیاز واقعی مخاطب و بررسی عواملی که جذابیت کتاب را برای مخاطب افزایش می‌دهد. نیاز لزوم توجه به پیمایش و مخاطب شناسی را افزایش می‌دهد. همه گروه‌ها و طیف‌های مختلف حاضر در نمایشگاه با تمام تفاوت‌ها و تمایزاتشان به نظر می‌رسد در یک نکته مشترک باشند. قاطبه مخاطبان نمایشگاه کتاب را طبقه متوسط جامعه تشکیل می‌دهد. برای شناخت مخاطبان انبوه نمایشگاه، تقسیم بندی کلی در نگاه نخست ضروری به نظر می‌رسد که قرار گرفتن در یک طبقه اجتماعی خاص، می‌تواند راهگشا باشد.

به گزارش ایران پژواک، در مطالعات انجام شده براساس داده‌های پایگاه اطلاعات رفاهی ایرانیان، ۹۳درصد خانوارهای ایرانی نفر یارانه‌بگیر هستند که از این میزان، ۳۵درصد فقیر، ۵۷درصد جزو طبقه متوسط و ۸درصد از طبقه برخوردار و ثروتمند محسوب می‌شوند. بنابراین همواره طبقه متوسط بزرگترین میزان را در میان طبقات اجتماعی دارد. ضمن اینکه طبقه متوسط جامعه به عنوان طبقه‌ای که منشا تحرکات اجتماعی و فرهنگی سازنده بوده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مخاطبان اصلی نمایشگاه از گروه‌ها و طیف‌های مختلف فکری و سنی با نیازها و خواست‌های متعددی به نمایشگاه کتاب مراجعه می‌کنند. لزوم مخاطب‌شناسی دقیق و کاربردی این مخاطبان، به نظر می‌رسد یکی از ملزومات عمده پژوهش‌های قابل اعتنا در دستور کار برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان این حوزه باشد که یکی از ضرورت‌های مغفول در نمایشگاه است. ارتباط مؤثر با مخاطب زمانی برقرار می‌شود که پیام فرستنده، متناسب با ویژگی‌های مخاطب طراحی شود.

اما اساسا تعریف صحیح از مخاطب چیست؟ مخاطبان توسط خود مردم و براساس علایق، توانایی‌ها، سلایق، نیازها، ترجیحات، هویت‌ها و تجارب اجتماعی و فرهنگی شان تعریف می‌شوند. از سال ۱۹۵۰ پژوهش‌های متعددی در حوزه مخاطب و ملاک‌های شناخت او صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این تحقیقات نتیجه قطعی یافته، این حقیقت است که افکار، گرایش‌ها و رفتار مردم بیشتر تحت تاثیر محیط اجتماعی آنهاست تا جاذبه‌های اقناع گر. محیط و شرایط برگزاری نمایشگاه کتاب نیز از عنصر تاثیر و تاثیر بهره می‌گیرد. چرا که انگیزه‌ها و جهت‌گیری‌های مخاطبان غالبا آشفته بوده و حتی در برخی مواقع هم هیچ انگیزه‌ای برای اعمال خود ندارند. اما هنگامی که به عنوان کلی منسجم در قالبی خاص قرار بگیرد، می‌تواند مشخصات و تعارف خاص را با توجه به رفتار کلی و تکرارشونده آن گروه پیش‌بینی و شناسایی کرد. اما مخاطب‌شناسی چقدر اهمیت دارد؟ این پژوهش‌ها تنها از جنبه شناختی اهمیت ندارد و تحقیقات مربوط به مخاطب‌شناسی و مخاطب‌پژوهی نیز طیف‌های گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که از کنترل مخاطب تا استقلال مخاطب دامنه آن وسیع است. اما ویژگی مشترک تمامی این پژوهش‌ها کمک به امر ساختن، تعیین جایگاه و تعیین هویت یک وجود اجتماعی متغیر و غیرقابل شناخت است. مخاطب پژوهی عمدتا عبارت است از ثبت و ضبط روزمره پیامدهای بسیار قابل پیش بینی، هرچند اثرات تصادفی و عواملی اتفاقی نیز یافت می‌شوند. ثبت و ضبط روزمره رفتار و انتخاب مخاطب جدی کتاب، در ایام نمایشگاه فرصت مغتنمی است چرا که اساسا طبقه متوسط مصرف کننده اصلی کالاهای فرهنگی از سینما تا تئاتر و موسیقی و کتاب است. بنابراین در حوزه فرهنگ، توجه به شناخت و نیاز این طبقه بیش از پیش حائز اهمیت خواهد بود. این طبقه ضمن توجه ویژه‌ای که به کالاهای فرهنگی دارد، کنشگر اصلی اجتماعی نیز محسوب می‌شود. نیم نگاهی به آراء پییر بوردیو جامعه شناس فرانسوی، علت اقبال این طبقه را به امر فرهنگی تبیین می‌کند. بوردیو سرمایه را به چهار بخش، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین تقسیم می‌کند. طبیعی است سرمایه اقتصادی به یک معنا محصور در دست طبقات بالای جامعه است و طبقات دیگر سهم بسیار کمی از آن دارند و طبقات بالا برای چیرگی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی خویش نیز از آن بهره می‌برند. طبقه متوسط راهی جز تقویت سرمایه فرهنگی خویش نداشته و در پی آن است که با تقویت سرمایه فرهنگی خویش، چیرگی بر گروه‌های دیگر را حاصل کند. ایده کانفورمیستی طبقه متوسط اینجا به کمک نظام سرمایه می‌آید، که او جریانی را در جامعه ایجاد کند و طبقه متوسط هم به پیروی از آن به بپاخیزند و سرمایه اقتصادی خود را در گرو این موارد قرار دهد تا بتواند چیرگی فرهنگی بر طبقات دیگر را حاصل کنند. نکته حائز اهمیت دیگر در خصوص طبقه متوسط نگرانی از شرایط نابسامان اقتصادی این طبقه است. با نظر به اثرگذاری این وجه بر سایر ابعاد، باید دید جایگاه فرهنگی این طبقه مبتنی بر شاخص مصرف فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی که در صدد تولید و افزایش سرمایه فرهنگی است، از الگوی نزولی جایگاه اقتصادی طبقه متوسط پیروی نکند و کاهش توان مالی طبقه متوسط و تضعیف جایگاه اقتصادی آن به تنزل جایگاه فرهنگی آن در کلیت سیاست‌های فرهنگی نیز نینجامد. باید دید مخاطبی که با نگاهی تیزبینانه به خرید یک کتاب اکتفا می‌کند یا هیچ کتابی خریداری نمی‌کند، چگونه به ارتقای جایگاه فرهنگی خود کمک خواهد کرد.

خبر

«سوسن شاکرین» درگذشت

سوسن شاکرین ـ موزیسین و مدرس موسیقی ـ طی روزهای گذشته و در سن ۶۹ سالگی، پس از گذراندن دوره‌ای بیماری درگذشت.

به گزارش ایسنا، سوسن شاکرین متولد ۱۳۳۳ تهران بود و از نوجوانی و با علاقه بسیار در دوره‌های شبانه کنسرواتوار موسیقی، آموزش گیتار و سایر دروس تخصصی را آغاز کرد و بعدها نیز به طور آزاد، آموختن را ادامه داد و در سازمان کر اپرا، کر ارکستر سمفونیک و کر تالار رودکی هم حضوری فعال داشت. از جمله کارهای او، ساختن موسیقی متن برای نمایش رادیویی «آهسته با گل سرخ» و موسیقی برای نمایش عروسکی «ماه پیشونی» برای اجرا در جشنواره تئاتر عروسکی است. او همچنین یک کتاب قصه برای کودکان به نام «آرزوی بزرگ چشمه» و دو کتاب موسیقی به چاپ رسانده است. سوسن شاکرین برای پنج فیلم بلند سینمایی در ایران موسیقی متن ساخته است. افسانه مه پلنگ محمدعلی سجادی، برخورد سیروس الوند، یاد و دیدار، گل و بخاطر همه چیز ـ هر سه از ساخته‌های همسرش رجب محمدین ـ آثاری بوده‌اند که شاکرین برای آنها موسیقی متن ساخته بود. رجب محمدین، همسر سوسن شاکرین که کار سینمایی‌اش را با دستیاری فیلم کلاغ بهرام بیضایی شروع کرده هم سابقه ساخت فیلم و هم سابقه تدوین دارد.